

حمایت از کالای ایرانی

تابلوساسی

انکسار آخرین تحلیلها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / اعتراف به شکست تحریم نفتی ایران

قدرت یک کشور را در نسبت آن با توانایی عملی کردن "سیاست‌هایش" می‌توان سنجید. از این منظر، با کمی تأمل بیشتر، به‌وضوح می‌توان فهمید که تقریباً تمامی سیاست‌های چندسال اخیر ایالات متحده، با شکست مواجه شده است. «همه‌ی واقعیت‌های منطقه‌ی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه... در عراق... در لبنان... در قضیه‌ی فلسطین... در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملت‌ها مغفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سال‌های متمادی است شکست پشتِ سرِ شکست!» ۹۳/۱۱/۱۹.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۰۰ / دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۷

کنگره جهانی اربعین

صبح نو: آنچه در ۲-۳ هفته منتهی به ۲۰ صفر در عراق رخ می‌دهد یکی از الطاف ناپیدای الهی است که حدود ۱۵ میلیون نفر را در یک جغرافیای مشخص درگیر خود می‌کند. ابعاد این واقعه را با هیچ کدام از مناسک مذهبی در جهان نمی‌شود مقایسه کرد؛ واقعه‌ای که در ایران حدود سه میلیون نفر به‌طور مستقیم و بالغ بر ۱۵ میلیون نفر به‌صورت غیرمستقیم در جریان آن قرار می‌گیرند. حالا پرسش این است که اگر چنین موقعیتی برای کشوری دیگر یا دین دیگری به وجود می‌آمد، چگونه با آن مواجه می‌شد؟ اکنون که اربعین ۹۷ به خیر و برکت و سلامت پایان یافته، فرصت ارزیابی‌ها و بررسی‌هاست؛ چه اینکه در مورد حج که فقط ۷۰ هزار ایرانی با آن مرتبط می‌شوند، مجموعه‌های متولی متعددی وجود دارند؛ چرا نباید برای افزایش بهره‌مندی از ظرفیت‌های این حماسه بی‌نظیر تاریخی، کار را از همین امروز آغاز کرد؟ بخش نخست آسیب‌شناسی آنچه گذشته است، چه در جهات محتوایی و چه در بخش‌های ساختاری ضروری است؛ بخش محتوایی از آن رو با اهمیت است که به حضرت امام حسین (ع) تعلق دارد، دریای بیکرانه‌ای است که باید از آن بسیار بهره جست؛ بی‌آنکه نگران کاسته شدنش بود. بخش ساختاری نیز هم در ایران، هم در عراق و هم در مقیاس تشیع و بلکه جهان اسلام، حوزه عمومی بزرگی است که به نظر می‌رسد نیازمند سازماندهی‌های دائمی و نه موسمی، عمیق و نه سطحی و راهبردی و نه تاکتیکی است. کنگره جهانی اربعین ما را در خود گرفته است، خودمان را دریابیم.

خودتان را به آن راه نزدیک!

کیهان: دیروز شورای نگهبان در اقدامی هوشمندانه و با استناد به متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لایحه الحاق کشورمان به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم CFT را رد کرد و روز تاریخی ۱۳ آبان را که ترامپ با انتخاب آن به عنوان «روز بازگشت تحریم‌ها» در پی انتقام از ملت ایران بود، به عزای آمریکا و متحدان بیرونی و دنباله‌های داخلی آن تبدیل کرد. در این باره گفتنی‌هایی هست؛ ۱- نزدیک به دو سال است که دولت با زیر پا گذاشتن اصل ۷۷ قانون اساسی و بدون اطلاع مجلس، کشورمان را در مقابل FATF متعهد کرده است! و بیش از ۳۷ بند از ۴۱ بند تعهداتی FATF را اجرا می‌کند! و تنها ۴ بند که نیاز به تصویب قانون دارد را- اجباراً- در قالب لایحه به مجلس ارائه کرده است! لایحه مبارزه با

تامین مالی تروریسم CFT که دیروز از سوی شورای نگهبان به علت مغایرت با قانون اساسی و موازین اسلامی رد شد، یکی از این چهار لایحه است. گفتنی است که لایحه مقابله با پولشویی در سال ۱۳۸۱ به مجلس رفته و تصویب شده بود ولی دولت کنونی با توجه به تعهدی که بدون رعایت قانون اساسی به گروه اقدام مالی FATF داده است این لایحه را مطابق نظر آنان اصلاح کرده و برای تصویب به مجلس فرستاده بود! بنابراین، اصلاحیه مورد اشاره دیکته‌ای است که دولت به نمایندگی از FATF نوشته و برای تصویب به مجلس داده است! ۲- این لایحه (CFT) زیر تابلوی فریبنده مقابله با تامین مالی تروریسم تدوین شده است ولی نکته مهم آن است که تعریف ما و غرب از تروریسم و گروه‌های تروریستی، متفاوت و حتی متضاد است و مدیران و برنامه‌ریزان گروه اقدام مالی FATF با صراحت و رسماً اعلام کرده‌اند که تعریف جمهوری اسلامی ایران از «تروریسم» را نمی‌پذیرند و ایران باید تعریف FATF را ملاک عمل خود قرار بدهد! دولت و مجلس ادعا می‌کنند که درباره مصداق و تعریف تروریسم «حق تحفظ» داده‌ایم! که در این خصوص باید گفت؛

الف- گروه اقدام مالی FATF در آخرین بیانیه خود شروط ۹ گانه‌ای را برای ایران اعلام کرده است و در اولین شرط تاکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران باید تعریف FATF از تروریسم و مصداق آن را بپذیرد. در این بند آمده است: ایران باید به نحو مناسبی تامین مالی تروریست‌ها را جرم انگاشته و از جمله معافیت گروه‌های تحریم شده را که «در تلاش برای پایان دادن به اشغالگری خارجی، نژادپرستی و استعمار هستند»، حذف نماید. بنابراین، ادعای دولت و نمایندگان موافق این لایحه خلاف واقع است. ب- ادعا کرده و می‌کنند که «نه در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و نه لیست خزانه‌داری آمریکا نام هیچ یک از سرداران و مسئولان ایرانی وجود ندارد بلکه این قطعنامه‌ها شامل لیست افراد و گروه‌های القاعده، طالبان و داعش! است. این ادعا نیز دروغ محض است چرا که در سایت وزارت خزانه‌داری آمریکا از سازمان صدا و سیما، وزارت اطلاعات، سپاه و وزارت دفاع و در قطعنامه‌های شورای امنیت ملی از فریدون عباسی، محمدرضا نقدی و قاسم سلیمانی به عنوان حامیان تروریسم نام برده شده و براساس قرارداد FATF اموال این افراد باید توقیف و مصادره شود! در بند دوم از شروط ۹ گانه FATF نیز تاکید شده است که؛ منظور از مصداق تروریست همان قطعنامه‌های سازمان ملل است و از ایران خواسته است اموال و دارایی‌های آنها را شناسایی و بلوکه کند و از انجام تراکنش‌های مالی توسط آنان خودداری ورزد! اکنون باید گفت؛ از برخی نمایندگان مجلس که نقش وکیل‌الدوله را دارند انتظاری نیست به این نکات توجه داشته باشند چرا که اظهارات آنها نشان می‌دهد اساساً از موضوع این لوایح اطلاع چندانی ندارند! ولی از دولت و وزارت خارجه انتظار می‌رود که قبل از اظهارنظرهای خلاف واقع، نیم‌نگاهی به سایت‌های رسمی سازمان ملل و FATF بیندازند و سپس اظهار نظر کنند! انتظار زیادی است؟! ج- با پذیرش این کنوانسیون، ایران باید بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی قدس، وزارت اطلاعات، وزارت دفاع و... را قطع کرده و تمامی حساب‌های بانکی آنها را مسدود کند! و این اقدام که «خودتحریمی» ترجمان دیگر آن است باید تحت نظارت بازرسان کنوانسیون صورت پذیرد تا از انجام آن اطمینان کامل حاصل کنند! چه خوابی برای ما دیده‌اند که برای تصویب

این لایحه ذلت‌بار سر و دست می‌شکنند؟! - بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین که به قانون اساسی حقوق معاهدات شهرت دارد «حق تحفظ یا شرط - Reservation» در یک معاهده بین‌المللی فقط هنگامی قابل پذیرش است که با موضوع و هدف معاهده ناسازگار نباشد. موضوع کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم، قطع منابع مالی و مراکز پشتیبان گروه‌های تروریستی است. بنابراین وقتی شرط ما آن است که تعریف کنوانسیون درباره تروریسم و مصداق گروه‌های تروریستی را نمی‌پذیریم، این شرط، به‌زعم آنان با موضوع کنوانسیون مغایرت داشته و قابل پذیرش نیست. آیا دولت حقوقدانان! و مخصوصاً وزارت امور خارجه کشورمان از این ماده در کنوانسیون وین بی‌خبر است!؟

آمریکا در مسیر سقوط آزاد

وطن امروز: شاید اصلی‌ترین سوالی که پیش از دور نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بخش اعظم افکار عمومی داخلی ایران را درگیر خود کرده بود، این سوال بود که برای ایران، انتخاب دونالد ترامپ جمهوری‌خواه بهتر است یا هیلاری کلینتون دموکرات؟ اگر چه واقعیت انکارناپذیر درباره نظام سیاسی آمریکا این است که راهبردهای اصلی ایالات متحده بسیار مستحکم‌تر از آن است که با انتخاب یک رئیس‌جمهور دستخوش تغییر بنیادین شود، یعنی برخلاف ایران که به‌واسطه انتخاب یک رئیس‌جمهور، بسیاری از سیاست‌های کلی کشور تغییر می‌یابد، در ایالات متحده نه کلینتون، نه اوباما، نه ترامپ و نه هیچ رئیس‌جمهور دیگری قادر نبوده و نیست راهبرد خصومت‌آمیز آمریکا در برابر ایران را تغییر دهد، بلکه اختلاف آنها تنها بر سر شدت و شکل خصومت علیه ایران است. اما با این وجود برگزیده شدن ترامپ نسبت به کلینتون، برای ایران یک تفاوت تاثیرگذار داشت. تفاوت کلیدی ترامپ و کلینتون و تاثیر آن بر نحوه کنش آمریکا در قبال ایران در این بوده است که ترامپ در مقایسه با کلینتون «چهره عریان شده‌ای» از آمریکا را به نمایش می‌گذاشت و شاید همین موضوع تنها مزیت ترامپ بر کلینتون نه‌تنها برای ایران بلکه برای بسیاری از کشورها بوده است. پیش‌بینی می‌شد سیاست‌ورزی وحشیانه‌تر او بیش از هر زمان دیگری به اعتبارزدایی از آمریکا در سطح جهان بینجامد. در مقابل، پیروزی کلینتون بدون تردید می‌توانست موجب افزایش نرم فشارها علیه ایران (و روسیه) شود؛ کما اینکه در طول ۳۷ سال بعد از پیروزی انقلاب نیز همواره شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران در دوره دموکرات‌ها رقم خورده است. به هر حال واقعیت‌های جهانی نشان از افول قدرت آمریکا در همه ابعاد سخت، نیمه‌سخت و نرم دارد. آنچه در این راستا اهمیت می‌یابد، مطابق آنچه رهبر معظم انقلاب فرمودند، اولاً حفظ روحیه مقاومت و ثانياً تلاش برای علنی کردن شکست‌ها و روند افول استکبار جهانی است که سعی دارد در یک جنگ رسانه‌ای شکست خود را پیروزی و پیروزی جمهوری اسلامی را شکست جلوه دهد.

گمانه ها از انتخابات فردای آمریکا

خراسان: رای دهندگان آمریکایی در حالی فردا به پای صندوق های رای خواهند رفت که از انتخابات میان دوره ای سال ۲۰۱۸ به عنوان یکی از حساس ترین رای گیری ها در میانه دوره ریاست جمهوری ایالات متحده طی دهه های اخیر یاد می شود. انتخاباتی که به نوعی همه پرسی درباره سیاست های نامتعارف دونالد ترامپ در دو سال گذشته به شمار می رود که در عین حال می تواند محکمی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ باشد. به نظر می رسد خود جمهوری خواهان و شخص ترامپ نیز تا حدودی به هزینه بر بودن این سیاست ها پی برده اند بنابراین در روزهای اخیر نشانه هایی از تغییر رویکرد را به اشکال مختلف از جمله فاصله گیری از سیاست های بن سلمان ولیعهد عربستان، درخواست پایان جنگ یمن و عقب نشینی از سیاست به صفر رساندن فروش نفت ایران با توجه به تاثیر قیمت نفت بر بنزین مصرفی داخل آمریکا و... از خود بروز داده اند که به نظر می رسد همه این موارد به اقتضای شرایط انتخابات صورت گرفته به این مفهوم که اگر جمهوری خواهان حاکم، در انتخابات میان دوره ای کنگره برنده شوند، حداقل در کوتاه مدت الزامی برای استمرار تغییرات اخیر نخواهند داشت هرچند امکان دارد با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ یا انتخابات کنگره برای انتخاب دو سوم بقیه اعضای نمایندگان دوباره نشانه هایی از تغییر رویکرد را از خود نشان دهند اما اگر در انتخابات میان دوره ای کنگره حزب دموکرات برنده شود این احتمال وجود خواهد داشت که هم تغییرات مشاهده شده در رویکرد اخیر آمریکا ادامه یابد و هم کاهش قدرت جمهوری خواهان در کنگره سرعت گیرد. بر این اساس می توان از انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا به عنوان متغیری بسیار مهم در استمرار یا تغییر سیاست های نامتعارف ترامپ یاد کرد که دارای آثار و پیامدهای داخلی و خارجی خواهد بود. نشنال اینترست می نویسد: «شکست پیش بینی شده جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره ای کنگره تاثیر زیادی بر سیاست خارجی دولت ترامپ خواهد داشت و متحدان آمریکا باید ظرف چند ماه آینده خود را برای تغییر مهمی در موضع رئیس جمهور این کشور و تمرکز وی بر موضوعات داخلی آماده کنند.»

